

متن ۶

روباه و طبل

آورده‌اند که روباهی در بیشه‌ای رفت. آنجا طبلی دید در بهلوی افکنده، و هرگاه باد می‌جست شاخ بر طبل می‌رسید و آوازی سهمناک بگوش روباه می‌آمد. چون روباه ضخامت جثه دید و مهابت آواز شنید طمع در بست که گوشت و پوست او فراخور آواز باشد. می‌کوشید تا آنرا بدرد. الحق جز پوستی بیشتر نیافت.

مرکب ندامت را در جولان کشید و گفت ندانستم که هر کجا جثه ضخم‌تر، و آوازه‌ها هایل‌تر، منفعت آن کمتر.

شرح کلمات:

آورده‌اند که: زعموا أنَّ

روباهی: روباه + ی = ثعلب (الياء ياء النكرة)

بیشه‌ای: بیشه + ی = غابة (ياء النكرة جاءت بعد هاء ساكنة يفصل بينها وبين الهاء حرف الألف)

در بهلوی افکنده: مُرمی جانباً

هرگاه: كلما

می‌جست: كانت تهب

شاخ: غصن

آوازی سهمناک: صوت مخيف

بدرد: أن يمزق

مرکب ندامت را در جولان کشید: جر أذیال الخیبة

هایل‌تر: مخيفاً أكثر